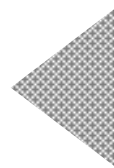


روابط با عربستان در بوته‌ی تحلیل و نقد



دکتر عباس ملکی

عضو هیأت علمی دانشگاه شریف

اشاره

در شماره پیشین، در راستای کند و کاو در سیاست خارجی کشورمان، ابتدا، مقوله سیاست خارجی را از منظر تئوریک مورد توجه قرار دادیم، سپس مفاهیم مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر شمردیم و نهایتاً فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این حوزه را تشریح نمودیم. در تداوم راستای پیش گفته، در این شماره پس از اشاره‌ای گذرا به ادوار مختلف سیاست خارجی کشورمان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به بحث روابط با دیگران پرداخته و در جهت دستیابی به مطالعات موردی، روابط کشورمان را با عربستان سعودی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱- دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران

۱-۱- دوره امام خمینی (ره) (۶۸-۱۳۵۷)

در چند سال اول انقلاب، سیاست داخلی تمام توجه رهبران جمهوری اسلامی را به خود معطوف کرده بود و امور خارجی در اولویت‌های بعدی قرار گرفت. هر چند بعضی اظهارات، عمدتاً از افراد غیرمسئول و یا ائمه جمعه ترس رژیم‌های منطقه را به همراه داشت. نخستین وظیفه نخبگان مسلمان جدید این بود که مهار قدرت دولت و نهادهای دولتی را در رقابت با چپ‌ها و ملی‌گرایان در اختیار بگیرند. وظیفه بعدی ایجاد نهادهایی بود تا با این سیستم وفق پیدا کنند و آنرا در برابر دشمنان خارجی و داخلی محافظت کنند. در ابتدا رهبری جدید چاره‌ای جز این نداشت که در چارچوب دیوانسالاری موجود عمل کند، همچون تأیید امام از ارتش و یا همکاری آیت الله بهشتی با ادارات دولتی در حالی که نخبگان جدید از این دیوانسالاری نفرت داشتند. سیاست خارجی در سالهای ابتدایی یک مبحث الحاقی بر سیاست داخلی بود. اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نقطه چرخش این روند بود. اشغال سفارت هماهنگی کاملی با احساسات عمیق ضد امپریالیستی انقلابیون داشت. خطوط اصلی سیاست خارجی جهت‌گیری استقلال

طلبانه‌ای داشت که نشانه یک دوره پس از استعمار است. شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی نیز همین موضوع را تأیید می‌نماید. نکته دیگر آن بود که علیرغم آنکه انقلاب در ایران اتفاق افتاده بود، اما مسؤولیت ذاتی انقلاب که آزاد کردن محرومان و مستضعفان بود نیز در میان بود. نکته دیگر تغییر شدید در مسیر منطقه‌ای سیاست خارجی ایران از دوستی و اتحاد استراتژیک شاه با اسرائیل به دوستی با فلسطین بود. نکته‌ای که به شکل کامل در تسخیر نمایندگی اسرائیل در تهران و تحویل آن به سازمان آزادی بخش فلسطین متجلی شد. ایران بازیگر مهم در جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی گردید و آخرین نکته نیز دشمنی با آمریکا به عنوان مقصر اصلی در روند وابستگی ایران از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷ بود. جنگ عراق علیه ایران پاسخی به موضع استقلال‌طلبی انقلاب ایران بود که مدت ۸ سال ایران و ایده‌های جهانی انقلاب ایران را زمین گیر کرد. با اروپا نیز گرچه روابط در این دوره در حالت صلح سرد بود و اروپا به منابع و بازار ایران می‌نگریست و ایران به تکنولوژی و اجناس اروپا، اما در سال ۱۳۶۸، فتوای امام در مورد ارتداد سلمان رشدی روابط را با چالش جدی مواجه کرد.

۱-۲- دوره بازسازی (۲۶-۱۳۶۸)

در انتهای جنگ، زمانی که ایران به فکر آینده افتاد، ملاحظه کرد که تا چه اندازه این جنگ ایران را به فرسودگی اقتصادی، ناکافی بودن بودجه بخاطر هزینه‌های جنگ، ضعف تجهیزات نظامی، انزوای بین‌المللی و دیپلماتیک کشانده است. در همان دوره قانون اساسی اصلاح شد تا قوه مجریه بتواند با قوت و تمرکز تصمیم‌گیری ایران را به طرف بازسازی پیش ببرد. آقای‌هاشمی رفسنجانی تلاش کرد تا با جذاب نشان دادن سیاست خارجی ایران، راه را برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باز نماید. اروپا در این دوره با توجه به منابع نفت و گاز ایران و بازار ۶۰ میلیونی به ایران روی خوش نشان داد و در نتیجه همکاری دو طرف، گروگانهای غربی در لبنان آزاد شدند. در ادامه این مسیر، او به کشورهای عرب خلیج فارس علائم مثبت فرستاد و همزمانی این علائم با اشغال کویت توسط عراق تصویر ایران در میان کشورهای عرب را بهبود بخشید. با اروپا نیز این روش دنبال شد. سفر رفسنجانی به پکن، توکیو و مسکو قبل از ورود او به دفتر ریاست جمهوری نیز موقعیت ایران در آسیا را بهتر کرد. بازسازی اقتصادی نیز برای دیگر کشورها فرصتی برای سرمایه‌گذاری در ایران بود. هرچند روابط با آمریکا رسماً تغییری نکرد، اما با ورود شرکت‌های آمریکایی به عرصه نفت و گاز ایران می‌رفت که موقعیت روابط ایران و آمریکا تغییر نماید. فروپاشی شوروی، به ایران امکان بازیگری در فضاهای جدیدی را داد که تا آن موقع برای هیچ کشوری چنین فرصتی فراهم نشده بود. اما همه چیز بر مسیر آمال آقای‌هاشمی پیش نرفت.

آمریکا به یکباره با طرح مهار دو جانبه، سپس با طرح داماتو و آنگاه قانون تحریم ایران و لیبی، سعی در انزوای بیشتر ایران نمود. روابط با اروپا نیز تحت تاثیر قتل بختیار و واقعه رستوران میکونوس بشدت تیره شد و سفرای کشورهای اروپایی از تهران رفتند. همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و روسیه نیز بدلیل مخالفت تکنوکراتهای طرفدار غرب در کابینه رفسنجانی به سرانجام نرسید. در انتهای دوره هاشمی رفسنجانی به آفریقا سفر کرد و دل به آفریقا خوش داشت، اما تمام اقدامات او با رفتن از کاخ ریاست جمهوری توسط ادارات ایرانی متوقف شد.

۳-۱- دوره اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶)

مبارزه انتخاباتی خاتمی حول سه موضوع بود: اصلاحات سیاسی، پیشبرد جامعه مدنی و حاکمیت قانون. همانطور که ملاحظه می‌شود، هیچکدام از شعارهای او مستقیماً به سیاست خارجی ارتباط نداشت، اما انتخاب خاتمی توانست فشار وارد بر سیستم در دو سطح داخلی و بین‌المللی را کاهش دهد و چهره خوشایندتری از جمهوری اسلامی عرضه کند. او دو راهبرد دیپلماتیک را مطرح نمود. اول، گفتگوی تمدنها که از آن در روابط با اروپا، ژاپن و مصر استفاده کرد. و دوم تنش زدایی که با آن روابط با کشورهای عربی را تعمیق بخشید. اتحادیه اروپا بیشترین تمایل را برای پذیرفتن قول اصلاحات به عنوان نتیجه انتخاب خاتمی نشان داد و اتحاد اقتصادی و دیپلماتیک با ایران را تشویق کرد.

۲- دو نمونه از روابط ایران با مجموعه‌های دیگر

۲-۱- روابط ایران و اروپا

الف: روابط ایران و اروپا در ادامه تاریخ کشمکش در جامعه ایران بر سر موضوع سنت و تجدد است. فرنگ نام دنیای پرجاذبه و پیشرفته اروپا در ایران بوده است. در عین حال که انقلاب ایران بواسطه پذیرش امام توسط فرانسه، احساس نفرت از آمریکا را در مورد اروپا نداشت، اما به هر حال رژیم شاه با اروپائیان نیز نزدیک بود و سابقه دو کشور استعماری انگلستان و روسیه در ایران در ذهن انقلابیون وجود داشت. به صورت کلی می‌توان گفت که روابط ایران و اروپا بیشتر یک نتیجه جانبی تغییر در شرایط داخلی و خارجی ایران است تا تغییر سیاسی استراتژیک همفکری شده‌ای که نتیجه آن در این روابط مشهود گردد. به این نوع از روابط «تمهیدات کاربردی» می‌گوئیم و منظور آن است که روابط ایران و اتحادیه اروپا بر پایه ملاحظات امنیتی سیاسی و استراتژیک بلند مدتی از آن نوع که روابط ایران و آمریکا را پی ریزی کرده بود، قرار نگرفته است. روابط ایران و اروپا به شکل کاربردی بر مبنای منافع مشترک اقتصادی و ادامه دوری ایران از آمریکا بنا شده است. به غیر از روابط اقتصادی، تفاهماتی که در

عرصه‌های دیگر به دست آمده، در نتیجه درک ایران از منافع اروپا در خاورمیانه و علایق امنیتی اتحادیه اروپاست که بعضاً به دلیل فعالیت‌های ایران علیه مخالفان خود در اروپا موجب نگرانی اروپائیان شده بود. در نتیجه تعدادی از موضوعات مهم بیشتر شامل تعارفات لفظی شده است تا توجه موثر و جدی. بعضی از آنها عبارتند از تفاوتها در مورد حقوق بشر، حق شهروندی، حقوق دموکراتیک، اختلاف نظرها در مورد تولید و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی بویژه موضوع سلاحهای هسته‌ای. یکی از مسائل مهم در روابط ایران و اروپا، حفظ اتحاد فرآتلانتیک مابین اروپا و ایالات متحده آمریکاست که به هر حال با تمام اختلافات مابین این دو بلوک، هر دو طرف در اصول فلسفی و بنیانی جهانی با یکدیگر اشتراک نظر دارند. به نظر می‌رسد که ایران و بعضی از کشورهای اروپایی (بویژه فرانسه و آلمان) برای ناکام گذاشتن تلاش آمریکا در جهت عملی کردن دکترین بوش که تغییر رژیم را یک هدف مشروع سیاست خارجی می‌داند به همکاری دست زده‌اند. روابط آنها پس از ۱۱ سپتامبر نشان دهنده افزایش همکاری‌های دیپلماتیک است در جهت مبارزه با آنچه که رهبری ایران و حداقل بعضی از کشورهایی اروپایی آن را تلاش آمریکا برای تغییر نظم حاکم بر منطقه خاورمیانه و دستیابی به هژمونی منطقه‌ای می‌دانند. سیاست خارجی مشترک اروپا در مورد خاورمیانه بر چند اصل کلی استوار است: منافع اقتصادی، منافع امنیتی، و جلوگیری از یکجانبه‌گرایی واشنگتن در منطقه. در این میان، ایران بلحاظ موقعیت جغرافیایی خاص خود، بازار بالقوه داخلی و همچنین رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران از موقعیت ویژه‌ای در محقق شدن اهداف سیاست خارجی اروپا برخوردار است. بر اساس آمار موجود حدود ۲۰ درصد از صادرات غیر نفتی ایران به اروپا صادر می‌شود. واردات ایران از اروپا در ۲۰۰۳ حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده که پس از عربستان سعودی و اسرائیل بزرگترین شریک تجاری اروپا در خاورمیانه است.

ب: از طرف دیگر ایران چگونه به اهداف و فرآیند اتحاد اروپا نگاه می‌کند؟ بلحاظ آرمانی و منطقی، جمهوری اسلامی ایران از هرگونه اقدامات همگرایانه و تقارب آمیز در نقاط مختلف جهان استقبال نموده و خود بدنبال چنین تحرکاتی در ارتباط با همسایگان خود و در منطقه و در سطح کشورهای اسلامی می‌باشد. فرآیند اتحاد اروپا نیز برای ایران که با مشکلات همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان پیش نیاز هرگونه سیاست‌های همگرایانه در منطقه مانند اکو آشناست، جالب و آموزنده می‌باشد.

ج: روابط جمهوری اسلامی ایران با اروپا در پس از پیروزی انقلاب با نشیب و فراز روبرو بوده و به دلیل وجود برخی از اختلافات در اکثر موارد با تنش همراه بوده است. پس از پایان جنگ تحمیلی دو دوره مشخص برای این روابط می‌توان در نظر گرفت: نخست دوران «گفتگوی انتقادی» است که از سال ۱۹۹۲ آغاز شده و تا ۱۹۹۷ ادامه پیدا می‌نماید. در این دوره اروپا بر خلاف خواست دولت آمریکا در برنامه

ریزی در مورد انزوای ایران شرکت نکرده و در ۱۹۹۶ که تحریم اقتصادی ایران در واشنگتن در دستور کار قرار گرفت، اروپا با ارتقای روابط خود با ایران، آن را کاملاً نادیده گرفت. در این دوران اتحادیه اروپایی تلاش می‌کرد که تا ضمن گفت و گو با ایران، این کشور را ترغیب نماید تا رفتار خود را راجع به سلمان رشدی، وضعیت حقوق بشر، تروریسم، صلح خاورمیانه، مسأله خریدهای تسلیحاتی و سلاح‌های کشتار جمعی تغییر دهد. در این دوران البته اروپا با سیاست‌های آمریکا در مورد ایران یعنی مهار دوجانبه، تحریم‌های متعدد و ممنوعیت صدور فناوری همراهی نمی‌نمود. مرحله دوم که از ۱۳۷۷ آغاز شد که می‌توان آن را دوران «مشارکت اقتصادی» نام نهاد که از مشخصات این دوره، مشارکت شرکت‌های اروپایی در طرح‌های توسعه صنعت نفت و گاز و سایر طرح‌هاست. این تغییر بدلائل عمده‌ای صورت گرفته است که علاوه بر تحولات داخلی ایران از رقابت اروپا با آمریکا در جریان شکل‌گیری نظم نوین جهانی، مسأله تأمین نفت و گاز اروپا از جانب ایران نیز دخالت دارد. جالب است که سه کشور تأمین‌کننده اصلی نفت اروپا، ایران، لیبی و عربستان می‌باشند که آمریکا دو کشور را تحریم نموده بود. نکته دیگر امکان سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران است که برای اروپا این بازار بسیار جذاب است. بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۱۰، صنایع نفت ایران به ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند.

د: تنش‌زدایی در روابط ایران و اروپا به انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور اسلامی ایران در خرداد ۱۳۷۶ باز می‌گردد. از آن پس رؤسای کشورهای اروپایی و ایران رفت و آمدهایی به پایتخت‌های یکدیگر داشته‌اند. روابط گرم اقتصادی سیاسی ایران و اروپا به خوبی پیش می‌رفت تا موضوع پروتکل الحاقی به معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیش آمد. از آن زمان اروپا به صورت مداوم بر ایران فشار وارد می‌آورد تا علاوه بر پذیرش پروتکل، هرگونه اقدام برای نزدیک شدن به تکنولوژی هسته‌ای ساخت سلاح اتمی را کنار بگذارد. با توجه به توافق ایران با سه کشور بزرگ اروپایی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان در تهران در اکتبر ۲۰۰۳ به نظر می‌رسد که فشارهای بعدی این کشورها به نوعی روابط ایران و اروپا را تحت تأثیر قرار دهد.

ه: در ارتباط با اتحادیه اروپا این نکته مناسب است که در نظر گرفته شود که ابتکارات جدید با نهادهای اروپای متحد می‌باید مکمل روابط جمهوری اسلامی ایران با هریک از کشورهای اروپایی باشد. درحالی‌که این خطر وجود دارد که روابط با اتحادیه، جایگزین روابط ایران با هریک از کشورهای اروپایی گردد. هرکدام از کشورهای اروپایی به دلایل متفاوت و در برخی از اوقات مشابه مایلند که با ایران روابط حسنه داشته باشند. برخی از نزدیکی‌های کهن و تاریخی مابین ایران و بعضاً کشورهایمانند آلمان، اتریش و ایتالیا این ارتباطات را توجیه می‌نماید و برخی از عناصر تاریخی مانع از روابط همه‌جانبه

ایران با انگلستان، فرانسه و بلژیک می‌گردد. بنابراین گره زدن روابط ایران با هر کدام از اعضای اتحادیه به روابط با مرکز اتحادیه آنچنان دوراندیشانه نیست. به عنوان مثال، آلمان موتور محرکه اتحادیه اروپایی است. این کشور اکنون بار تورم، عدم بازدهی و ضعف اقتصادی کشورهای دیگر اروپایی را بدوش می‌کشد. روابط آلمان و ایران اگر بخواهد به صورت کامل در گرو روابط ایران و اتحادیه اروپا قرار گیرد به نفع ایران نیست.

و: مقررات و دستور العمل‌های اتحادیه اروپا دارای استاندارد جدید و منحصر بفردی است. این موضوع هم در بخش‌های مربوط به تولیدات صنعتی و کشاورزی و خدمات مطرح است و هم در نحوه نگاه به ارزشهای انسانی، اجتماعی و حقوقی. در مورد تولیدات و مصنوعات، تعامل با اتحادیه اروپا ما را ناگزیر می‌سازد تا در جریان تولید کالاهای غیر نفتی مواردی از قبیل استانداردهای محیط زیست، مصرف کمتر انرژی، بهره‌وری، اثردهی و بازدهی را مد نظر قرار دهیم. اما این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد که اتحادیه اروپا اینگونه معیارها را برای مسائل ارزشی و اجتماعی تعمیم داده است. مسائلی از قبیل تساهل، مدارا، حقوق بشر، دخالت انسان‌دوستانه، سیستم قضاوت، مجازات اعدام و.. نکاتی است که اتحادیه اروپا و نهادهای آن مانند کمیسیون اروپا، شورای اروپا و علی‌الخصوص پارلمان اروپا بدانها سخت توجه نشان داده و اکثر کشورها از رهگذر روابط خود با اتحاد اروپا به نوعی مورد انتقاد و یا غضب این نهادها قرار گرفته‌اند. بنابراین روابط با اتحادیه اروپا دارای بار سنگین مواجهه با دخالت‌های مراکز اروپایی در بخش‌های مختلف داخلی نیز هست.

ز: یکی از انگیزه‌های مطرح در سیاست خارجی ایران در روابط با اروپا، از طرف سیاستمداران ایرانی، وجود و نقش آفرینی یک قطب قوی نظیر اروپای واحد در برابر سلطه طلبی و هژمونی آمریکا مطرح می‌شود که این امر به صورت اساسی از ابتدا مورد توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. اما از طرف دیگر انتظار بیش از اندازه داشتن از اروپا در زمینه چالش با آمریکا واقع بینانه نیست. واقعیت آن است که اگر اروپا در سالهای پس از جنگ جهانی دوم توانست به فکر ایجاد نهادهای همگرا از قبیل اتحادیه فولاد و ذغال سنگ، بازار مشترک اروپا و اتحاد اروپا باشد، ایجاد فضای مناسب امنیتی برای اروپا از قبل تحمل بار نظامی و امنیتی حفاظت از اروپا توسط آمریکا در این پروسه موثر بوده است و گرنه در محیطی که هر کشور نگرانی‌های امنیتی قاره اروپا و همچنین نگرانی‌های خاص خود را داشت، چگونه چنین ایده‌ای می‌توانست این قدر به واقعیت نزدیک گردد؟ به همین جهت، اروپا تا سرحد تقابل با آمریکا پیش نخواهد رفت و بلکه در مقاطعی، رفتار اروپا نشان دهنده نیابت این کشور از جانب آمریکاست. به عنوان مثال دخالت اروپا در قضیه چین، امنیت قفقاز، دخالت در دره فرغانه و کمک به

صلح خاورمیانه به نیابت و یا معاونت به آمریکا است.

ح: یک نوع دیالوگ و همکاری‌های امنیتی ایران و اروپا به صورت کلی می‌تواند برای هر دو طرف جالب باشد. هر دو کشور در مورد مناطقی از جهان که در همسایگی آنهاست، نگرانی‌های مشترک دارند. یکی از این مناطق مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. قفقاز بخصوص به اروپا بسیار نزدیک است. پروژه‌هایی مانند مشارکت برای صلح در چارچوب جذب کشورهای بجا مانده از شوروی سابق برای اروپا گرچه مفید بوده‌اند اما به نظر می‌رسد بدون مشارکت ایران رسیدن به یک فضای امن در آسیای مرکزی و قفقاز بلحاظ عملی، شدنی نباشد. سازمان همکاری و امنیت اروپا با ۵۵ عضو همچون آمریکا، کانادا، کشورهای اروپایی، روسیه، کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی، یکی از نهادهای حفظ امنیت برای غرب در سطح جهانی است. همکاری‌های ایران و سازمان همکاری و امنیت اروپا می‌تواند برای هر دو طرف همراه با منافع باشد. این سازمان مایل به برقراری امنیت در آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوب غربی و آسیای جنوبی است. اکثر این کشورها مسلمان هستند و ایران می‌تواند در این زمینه فعال باشد.

ط: همکاری‌های انرژی: عضویت هر کدام از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به اتحاد اروپا به معنای نیاز بیشتر به انرژی است. گرچه اروپا در میان دریایی از گاز احاطه شده است، اما اقتصاد انرژی نشان می‌دهد که استفاده از گاز بدون برنامه ریزی درازمدت امکان پذیر نیست. ایران به عنوان دومین دارنده گاز در سطح جهان می‌تواند یکی از تأمین کنندگان انرژی برای اروپا باشد. در گذشته و زمانی که اروپا نیاز به انرژی بیشتر پیدا کرد، به دلایل کاملاً سیاسی، اتحاد شوروی و دو خط بزرگ گاز سوویت برای تأمین انرژی اروپا به خطوط لوله پیشنهادی ایران ارجحیت داده شد. پس از فروپاشی شوروی این بار عدم مزیت استفاده از انرژی ایران به تحریم‌های آمریکا علیه این کشور باز می‌گردد. به هر جهت ایران و اروپا در زمینه انرژی می‌توانند همکاری‌های بیشتری داشته باشند.

۲-۲- روابط ایران و آمریکا

روابط ایران و آمریکا از ابتدای ورود آمریکا به ایران به چند بخش تقسیم می‌گردد:

الف: دکترین مونروئه در ۱۸۲۳ سیاست خارجه‌ای را رقم زد که بر اساس آن آمریکا می‌باید تنها در درون خود و محیط قاره آمریکا فعال باشد. در این فضا، در ۱۸۵۱ و در دوران صدارت امیرکبیر پیمان مودت و بحریمایی مابین دو کشور امضاء گردید. در ۱۸۵۶، نمایندگی سیاسی آمریکا در بوشهر افتتاح و اولین سفارت خانه آمریکا در ایران در ۱۸۸۳ گشایش یافت. یکسال بعد، سفارت ایران در واشنگتن

افتتاح شد و روابط ایران و آمریکا به روال طبیعی خود افتاد. در سال ۱۹۱۰ و پس از انقلاب مشروطیت ایران اولین فرد آمریکایی برای اصلاح وضعیت مالیاتی ایران تحت نام مورگان شوستر وارد ایران گردید.

ب: در ادامه روابط و در زمان عقد معاهده موسوم به وثوق الدوله مبنی بر حاکمیت بریتانیا بر ایران در ۱۹۱۹، دولت آمریکا با صدور بیانیه‌ای بشدت با این موضوع مخالفت نمود. در ۱۹۲۱، دومین مشاور مالی دولت ایران از طرف آمریکا به نام آرتور میلسو وارد تهران شد. چندماه بعد مجلس ایران همزمان با خلاء حضور روسیه در ایران بدلیل انقلاب ۱۹۱۷، امتیاز بهره برداری از نفت شمال ایران را به شرکت آمریکایی سینکلر واگذار کرد و کمی بعد رضاخان با نیروهای خود وارد تهران گردید. ۱۳ روز بعد در ۶ فوریه ۱۹۲۱ معاهده مودت مابین ایران و جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه امضا گردید. در ۱۹۲۴، مازور روبرت امبری معاون کنسول آمریکا در ایران کشته شد.

ج: به تدریج آمریکا به عنوان نیروی سوم در ایران مطرح گردید. در ۱۹۴۱ ایران توسط متفقین اشغال گردید. یکسال بعد آمریکا ۶ تیم مشاوره در امور مختلف اقتصادی، فنی و آموزشی به ایران اعزام نمود. در آن زمان حدود ۳۰ هزار سرباز غیررزمی آمریکا وظیفه ارسال مهمات و آذوقه به اتحاد شوروی از طریق ایران را به عهده داشتند. در ۱۹۴۶ سربازان شوروی که از دیرباز از عقب نشینی از ایران سرباز می‌زدند، خاک ایران را ترک نمودند. گفته می‌شود که آمریکا در این زمینه اولتیماتوم هسته‌ای به روسها داده بود.

د: نیروی سوم به مداخله گری روی آورد و پس از ملی شدن صنعت نفت ایران در ۱۹۵۰ با عملیات آژاکس در ۱۹۵۲، نهایتاً رژیم ایران را در ۱۹۵۳ سرنگون ساخت.

ه: سیاست استحکام سنگرهای فتح شده توسط آمریکا از آن پس آغاز شد. امتیاز نفت ایران به کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی داده شد و در ۱۹۵۴ پیمان بغداد با کمک مالی و سیاسی آمریکا تشکیل شد. پس از کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در بغداد در ۱۹۵۸ پیمان سنتو منعقد گردید و شاه به آمریکا رفت. در ۱۹۵۹ توافقنامه دوجانبه دفاعی مابین دو کشور منعقد گردید.

و: بار روی کار آمدن جان اف کندی در ۱۹۶۰، علیرغم کمک‌های مالی شاه به نیکسون و حزب جمهوریخواه، کندی در پی اصلاحات در کشورهای دوست آمریکا برآمد. خروشچف در ملاقات خود با سناتور لیپمن اظهار خوشحالی نموده بود که به زودی ایران به جرگه کشورهای سوسیالیست طرفدار مسکو خواهد پیوست. این امر کندی را بر آن داشت که در مورد ایران گروه ویژه‌ای را مأمور طراحی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی نماید. این سیاست‌ها ابتدا توسط

علی امینی و سپس شاه تحت عنوان انقلاب شاه و ملت در ایران اجرا گردید.

ز: دوره بعدی از ۱۹۶۴ با تصویب کاپیتولاسیون و یا مصونیت‌های قضایی برای نظامیان آمریکایی شروع شد. بخش وسیعی از بودجه ایران همه ساله برای خرید سلاح‌های گران قیمت آمریکایی صرف می‌شد. طرفداری آمریکا از سیاست‌های شاه ایران به حداکثر رسید و امام خمینی (ره) از ایران تبعید شد. در مقابل، منصور نخست وزیر ایران کشته شد و به طرف شاه تیراندازی گردید. هردو حادثه عکس‌العمل به حضور آمریکائیان در ایران بود.

ح: حرکات ضد آمریکایی در ایران شروع گردید. در دوران طلایی روابط ایران و آمریکا در دوران راهبری سیاست خارجی آمریکا توسط تیم نیکسون-کیسینجر و انتخاب مقرر خاورمیانه‌ای سیا در تهران و انتصاب ریچارد هلمز رئیس سیا به عنوان سفیر آمریکا در تهران، تعدادی از افسران ارتش آمریکا در ایران کشته شدند. در فاصله سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷، ایران از آمریکا ۱۶ میلیارد دلار اسلحه خرید و ۳۵ هزار مستشار آمریکایی در این کار می‌کردند. ایران به عنوان ژاندارم منطقه اجرای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا را به عهده گرفت و در سرکوبی عملیات جدایی طلبانه ظفار دخالت نمود.

ط: مجدداً شاه از جمهوری خواهان حمایت کرد، اما این بار جیمی کارتر از حزب دمکرات برنده شد و حقوق بشر را سرلوحه اقدامات خویش در ۱۹۷۶ خواند. به دلیل اهمیت ایران از لحاظ انرژی و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، کارتر و شاه سریعاً همدیگر را یافتند. در سفر شاه به واشنگتن در ۱۹۷۷، بر اثر تظاهرات مخالفین شاه، پلیس گاز اشک آور پرتاب نمود و بر اثر آن اشک شاه سرازیر شد و این نشانه‌ای از پایان عمر او توسط رسانه‌ها شمرده شد. گرچه ژنرال هایزر به تهران آمد، اما نتوانست کاری از پیش ببرد و شاه در ۱۹۷۹ ایران را ترک و چند روز بعد رژیم او سقوط کرد. در اکتبر همان سال دانشجویان خط امام سفارت آمریکا در تهران را اشغال نمودند و سپس به تدریج نسبت به انتشار اسناد درون آن اقدام نمودند.

ی: بلافاصله کارتر وضعیت اضطراری در مورد ایران اعلام و نسبت به مسدود نمودن سرمایه‌های ایران در بانک‌های آمریکایی اقدام نمود. در ۱۹۸۰ کارتر روابط سیاسی با ایران را قطع کرد و به عملیات بدون نتیجه نسبت به آزادی گروگانها از طریق صحرای طبس اقدام کرد.

ک: نقش آمریکا در جنگ ایران و عراق به تدریج روشن شد. در ۱۹۸۴ مقرر فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در لبنان منفجر گردید و آمریکا طرفداران ایران در لبنان را مسؤول این حادثه دانست. به همین دلیل ایران به فهرست پشتیبانان تروریسم اضافه شد. در ۱۹۸۷ هرگونه محصول ایرانی

حتی پسته و فرش از ورود به آمریکا منع شد. در ۱۹۹۱ و در پس از حمله عراق به کویت قانون منع فروش تسلیحات به ایران و عراق در کنگره آمریکا تصویب گردید. در سال ۱۹۹۱ همچنین ممنوعیت ورود کشتی‌های ایرانی به بنادر آمریکایی وضع گردید. در ۱۹۹۲ ممنوعیت فروش هرگونه موادی که بتواند ایران و عراق را در تهیه سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای و سلاح‌های پیشرفته یاری رساند در کنگره آمریکا تصویب شد.

ل: دهه ۹۰ را می‌توان عصر تحریم آمریکا علیه دیگر کشورها بخصوص ایران دانست. در ۱۹۹۵، آمریکا با فرمان کلینتون از مشارکت شرکت‌های نفت و گاز خود در صنایع انرژی ایران جلوگیری کرد. شرکت آمریکایی کونکو برای توسعه میدان سیری مجوزهای لازم از طرف ایران را دریافت کرده بود. قانون موسوم به داماتو هر شرکت نفت و گاز را از سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران منع می‌کرد. این قانون سپس به قانون تحریم ایران و لیبی در ۱۹۹۷ منجر شد که مبلغ موسوم را ۲۰ میلیون دلار کاهش داده و همچنین شرکت‌های غیر آمریکایی را نیز مشمول آن ساخت. در برابر در ایران محمد خاتمی با آرای انبوه مردم ایران رئیس‌جمهور شد و سال بعد در یک مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان از مردم آمریکا خواست که به صدای مردم ایران گوش فرادهند. در ۱۹۹۹، کنگره آمریکا رئیس‌جمهور این کشور را مکلف ساخت تا هر ۶ ماه یکبار گزارشی در مورد شرکت‌ها، کشورها و یا افرادی که به نوعی ایران را در رسیدن به تکنولوژی سلاح‌های کشتار جمعی یاری می‌رسانند ارائه نماید.

م: در حال حاضر آمریکا ایران را به رفتارهایی متهم می‌سازد که بر خلاف قوانین، عرف و رویه بین‌المللی است. این موارد در مجموع عبارتند از پشتیبانی از تروریسم بین‌المللی، نقض حقوق بشر، مخالفت با فرآیند صلح خاورمیانه، برداشتن گام‌های اساسی جهت رسیدن به سلاح هسته‌ای و تولید سلاح‌های کشتار جمعی.

ن: رفتار آمریکا در برابر ایران یکپارچه و منسجم نیست. بدلیل اختلاف نظر اساسی مابین هیئت حاکمه آمریکا، روشنفکران و نخبگان این کشور و رسانه‌ها به صورت اساسی چند رهیافت برای موضوع ایران در واشنگتن موجود است.

س: به اولین آنها «تکلیفات رهبری» می‌گوئیم. این بدان معناست که اگر آمریکا معتقد است که پس از فروپاشی شوروی تنها ابرقدرت زمین است و اگر بنا بر نظر برخی از سیاستمداران آمریکایی، آمریکا اکنون پلیس جهان است، بنابراین باید به الزامات این مقام نیز توجه نماید. پلیس باید به همه حوادث جامعه توجه نموده و برای آنها راه حل داشته باشد. اگر دیکتاتوری صدام و

دمکراسی در عراق به زعم آمریکا آن قدر مهم بود که این چنین مداخله وسیعی را از طرف آمریکا ایجاب می‌نمود، چگونه است که در مورد ایران استراتژی مشخصی در واشنگتن وجود ندارد؟ بقول خانم مادلین آلبرایت، وزیر خارجه سابق آمریکا، ایران رهبر جهان اسلام است و تاکنون هیچگاه به کشورهای همسایه‌اش تجاوز نکرده است. ایران با توجه به موقعیت و منابع انرژی و انسانی آن و همچنین تلاش مردم آن برای رسیدن جامعه‌ای بهتر که در انقلاب و تغییرات پس از آن متبلور است، حتماً نیاز به استراتژی دقیق و واضحی از سوی آمریکا دارد. در حالیکه اروپا بشدت بدنبال یافتن راهی برای مصالحه با ایران است، معلوم نیست با چه منطقی آمریکا تنها بدنبال محکوم نمودن ظاهری ایران و ممانعت از دستیابی ایران به منابع مالی و تکنولوژیک است.

ع: «منزوی کردن» ایران یکی دیگر از راهکارهایی است که در واشنگتن مطرح است. مطابق این رهیافت، جمهوری اسلامی قادر به مدیریت جامعه پیچیده‌ای همچون ایران نیست. خواسته‌های مردم ایران متنوع و دارای رشد فزاینده است. بنابراین بهترین راه آن است که ایران را از دستیابی به منابع توسعه محروم سازیم. مشکلات داخلی ایران جامعه را به سوی اغتشاش و آنگاه فروپاشی نظام پیش خواهد برد.

ف: «تعامل با ایران»، یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی موسسات فکری به واشنگتن است. مطابق این رهیافت، نظام اسلامی ایران پس از مضمحل ساختن رژیم سلطنتی، ۲۶ سال است که همچنان بر سر قدرت است و خطری فوری و آنی نیز رژیم ایران را تهدید نمی‌نماید. مخالفان سازمان یافته و محبوب در میان مردم ایران نیز وجود ندارد. در حال حاضر نظام ایران ابتکار عمل را در دست دارد و مواردی همچون تصویب قانون تشویق و حفاظت از سرمایه گذاری خارجی در ایران نیز نشان می‌دهد که ایران در آینده بدنبال باز نمودن درهای جامعه بر روی دیگر کشورها و منابع است. بنابراین چرا با این کشور وارد مذاکره سازنده نشویم؟ بقول رابرت پلترو، معاون سابق وزارت خارجه آمریکا، اگر آمریکا می‌خواهد در مبارزه با تروریسم بین‌المللی موفق شود، باید با ایران مذاکره نماید. اگر آمریکا بدنبال مبارزه با قاچاق مواد مخدر است باید با ایران تعامل برقرار نماید.

ص: سیاست «چماق و هویج»، یکی دیگر از رهیافت‌های مطرح در واشنگتن است. اروپائیان نیز از این سیاست حمایت می‌نمایند. بوش پس از ملاقات با پوتین در براتیسلاوا در فوریه ۲۰۰۵ عنوان داشت که «ما این جا هستیم تا به ایران بگوئیم در عین حال که می‌دانیم ایران دانش غنی سازی

اورانیوم را دارد، بدلیل اینکه آنها پیمان را امضا نموده‌اند نباید این کار را بکنند». در عین حال که ممکن است این جمله نیز از جملات بی معنی بوش باشد، اما اگر او آگاهانه گفته باشد، بدان معناست که آمریکا دیگر فشار را بر ایران در این زمینه موثر نمی بیند. آمریکا و بخصوص خانم رایس اعلام کردند که آمریکا بدنبال بررسی مشوق‌هایی برای ایران جهت اصلاح این کشور است. مشوق‌هایی که آمریکایی‌ها در مطبوعات خود از آنها نام برده‌اند عبارتند از کمک به ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، فروش لوازم یدکی برای هواپیماهای بوئینگ و آزاد شدن سرمایه‌های ایران در آمریکا. یکی از مطلعین آمریکایی معتقد است این سه مشوق ابتدا بر زبان دیپلمات‌های ایرانی شرکت کننده در مذاکرات هسته‌ای آمده بود. بوش نیز به نوعی پیوستن به اروپائیان برای مذاکره با ایران را ابراز نموده است. از طرف دیگر وزارت دفاع آمریکا اعزام و ارسال هرگونه هواپیمای نظامی و یا تجسسی آمریکا بر فراز ایران را رسماً تکذیب کرد.

ق: برخی دیگر از مقامات آمریکایی بخصوص برخی از نومحافظه کاران بر این عقیده‌اند که تنها و تنها باید از زبان «چماق» با ایران صحبت کرد. باید همچنان قانون تحریم ایران را محکم اجرا نمود و در دریای خزر به هیچ وجه امکان سرمایه گذاری ایران را اجازه نداد. همچنین رادیو فردا و جنگ رسانه‌ای را توسعه داده و از هرگونه وام و یا تسهیلات مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ایران جلوگیری کرد. با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی همچون ۲۱ بار گذشته مخالفت کرده و موضوع تخلف ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به شورای امنیت ملل متحد فرستاد. ادعاهای افراد عادی آمریکایی علیه دولت ایران را در محاکم آمریکایی دامن زد. و با هرگونه ارتباط تجاری شرکت‌ها و یا افراد آمریکایی با ایران بشدت برخورد امنیتی و قضایی نمود.

و: آخرین رهیافت که در مورد آن در واشنگتن بحث شده است، «حمله نظامی» به ایران است. طرفداران این نظریه که عمدتاً نومحافظه کاران شاغل در وزارت دفاع آمریکا هستند، معتقدند که با توجه به حمله آمریکا به افغانستان و عراق اگر بخواهیم ریشه افراط‌گری اسلامی را قطع نمائیم، لاجرم می‌بایست به ایران نیز حمله کنیم. دلیل دیگر آن است که ایران در آستانه دستیابی به بمب هسته‌ای است و هر چه زودتر جلوی این کار باید گرفته شود. بنابراین بهترین راه برای این کار یک حمله غافلگیرکننده علیه ایران است. مدت‌هاست که وزارت دفاع آمریکا سناریوهای محتمل برای چنین کاری را آماده ساخته است. بنابر یکی از این سناریوها که به

بیرون درز پیدا کرده است، اگر آمریکا بخواهد تنها نقاط استراتژیک ایران را بمباران نماید، نیاز به توجیه این موضوع در رسانه‌ها دارد که در عراق آنها که علیه ما آمریکایی‌ها می‌جنگند، در واقع ایرانی‌ها هستند. برای آمادگی جهت حمله زمان نیاز نداشته و هواپیماهای استیلت و موشک‌های کروزمی‌توانند همین امشب این کار را انجام دهند. اگر هدف این باشد که ایران از فعالیت‌های هسته‌ای کاملاً دست کشیده و تاسیسات هسته‌ای ایران نابود شود، نیاز به ۳ ماه آمادگی برای حملات متعدد به حداقل ۱۲۵ هدف هسته‌ای و ۳۰۰ نقطه هدف زیرساختی در ایران دارد. برای تغییر رژیم در تهران نیاز به شش ماه آمادگی است و برای این کار باید از نیروی زمینی نیز استفاده شود. فرودگاه‌های مورد استفاده احتمالاً در کشورهای عراق، افغانستان، آذربایجان و عرشه ناوهای هواپیمابر خواهد بود و خطوط پشتیبانی از دریای عمان به داخل ایران طراحی شده است. برای این کار سناریو جنگ روانی نیز طراحی شده که کم و بیش همانی است که در حال اجراست. اسکات ریتر بازرس سابق تسلیحاتی عراق گفته بود که مطابق اطلاعاتی که او دارد، آمریکا در ماه ژوئن ۲۰۰۵ به ایران حمله خواهد کرد. (که البته چنین اتفاقی نیفتاد).

۳- روابط ایران با همسایگان خود

موقعیت ایران در ارتباط با همسایگان خود ناشی از مجموعه بزرگتری از عوامل مربوط به قدرت ملی ایران است. گرچه در انتخابات ریاست جمهوری به صورت مستقیم سیاست خارجی نقشی در آرای مردم ندارد، اما با توجه به اهمیت موضوعات خارجی در موضوعات اساسی مردم همچون اقتصاد و سیاست‌های پولی و مالی و همچنین نقش رسانه‌های خارجی در تهییج و یا مایوس نمودن لایه‌های مختلف به نظر می‌رسد که اهمیت سیاست خارجی در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر شده است. بدین لحاظ سعی شده است که روابط ایران با همسایگان خود که بدون شک بخش مهمی از سیاست خارجی ایران است مورد ارزیابی قرار گیرد. گزارش هر کشور در ۴ بخش ارائه گردیده است که شامل:

- اطلاعات کلی
- سیاست خارجی
- روابط با جمهوری اسلامی ایران
- و پیشنهاد برای توسعه روابط می‌باشد.

۴- روابط با عربستان سعودی

۴-۱- اطلاعات کلی

- ۱- در سال ۱۹۰۲ عبدالعزیز ابن عبدالرحمان آل سعود ریاض را تصرف و نبردی سی ساله را برای متحد کردن شبه جزیره عربستان آغاز کرد. امروز این شبه جزیره توسط یکی از پسران عبدالعزیز (امیر عبدالله بن عبدالعزیز، ولیعهد) اداره گردیده و برابر قانون اساسی پادشاهی و قدرت می‌بایستی در این خاندان به صورت موروثی حفظ گردد.
- ۲- موقعیت جغرافیایی عربستان سعودی با مساحتی حدود ۱۹۶۰۵۸۲ کیلومتر مربع در آسیای جنوب غربی قرار گرفته است. این کشور از شمال با عراق، از شرق با کویت، خلیج فارس، امارات، قطر، عمان و بحرین و از جنوب با یمن و از غرب به دریای سرخ محدود می‌باشد.
- ۳- مرزها از مجموع ۴۴۳۱ کیلومتر مرز خاکی مقدار ۸۱۴ کیلومتر آن با عراق، ۷۴۴ کیلومتر آن با اردن، ۲۲۲ کیلومتر آن با کویت، ۶۷۶ کیلومتر با عمان، ۶۰ کیلومتر با قطر، ۴۵۷ کیلومتر با امارات و ۱۴۵۶ کیلومتر با یمن می‌باشد. طول مرزهای آبی این کشور نیز ۲۶۴۰ کیلومتر می‌باشد.
- ۴- سرشماری رسمی در این کشور انجام نمی‌شود ولی طبق آخرین برآوردها (ژوئیه ۲۰۰۴) جمعیت عربستان برابر ۲۵۷۹۵۹۳۸ نفر می‌باشد که شامل ۵۵۷۶۰۷۶ نفر ساکنین غیر بومی و مهاجر است. نرخ رشد جمعیت بر اساس برآوردهای سال جاری ۲/۴۴ درصد می‌باشد. جمعیت این کشور به لحاظ قومی ۹۰٪ عرب و ۱۰٪ آفریقایی - آسیایی می‌باشند و ۱۰۰٪ مردم عربستان مسلمان و زبان آنها عربی است.
- ۵- ۷۸/۸ درصد جمعیت عربستان دارای سن بالای ۱۵ سال می‌باشند که از این درصد، ۸۴/۷ درصد مردان و ۷۰/۸ درصد زنان (برآورد سال ۲۰۰۳) دارای سواد خواندن و نوشتن می‌باشند. در سال ۱۹۷۰ میلادی یک چهارم ساکنان عربستان در شهرها زندگی می‌کردند و این روند در سال ۲۰۰۰ به ۸۰ درصد رسیده و چهره چادر نشینی این شبه جزیره تغییر یافته است.
- ۶- از نظر جغرافیایی عربستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است که قسمت شمالی به علت خشک و غیر قابل سکونت بودن تاریخ یکنواختی داشته و مردم این قسمت مردمان کوچ نشینی هستند اما در قسمت جنوبی به علت دارا بودن آب و هوای مساعدتر جمعیت متراکم و مردم شهر نشین می‌باشند.
- ۷- اتباع کشورهای غربی در عربستان حدود ۷۰۰۰۰ نفر می‌باشند که اکثراً در قسمت‌های نظامی، نفتی و صنایع بزرگ اشتغال دارند.
- ۸- عربستان به علت واقع شدن در منطقه حساس خاورمیانه و خلیج فارس و همچنین ویژگی‌های اقتصادی

و فرهنگی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. از ویژگی‌های این کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- وجود حرمین شریفین
- ۲- نفت و اپک (عربستان به تنهایی ۲۶٪ از منابع شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد و ذخایر گاز این کشور در حدود ۶۰۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود)
- ۳- سازمان کنفرانس اسلامی (دبیرخانه این سازمان در شهر جدّه واقع و عربستان از طریق این سازمان نفوذ قابل توجهی بر بسیاری از کشورهای اسلامی برخوردار می‌باشد)
- ۴- اتحادیه عرب (که به واسطه کمک‌های مادی فراوان دارای نفوذ قابل توجهی در این اتحادیه می‌باشد).
- ۵- نفوذ در کشورهای اسلامی
- ۶- موقعیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی این کشور (بدلیل وقوع در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس)
- ۷- شورای همکاری خلیج فارس
- ۸- روابط با غرب و امریکا
- ۹- همجواری با ایران و عراق
- ۹- بالاترین مقام مذهبی عربستان مفتی کل این کشور می‌باشد که توسط پادشاه تعیین می‌گردد. از سال ۱۹۹۹ ملک فهد، شیخ عبدالعزیز آل شیخ را به عنوان مفتی کل عربستان تعیین نموده است. غیر مسلمانان مقیم در عربستان حق داشتن هیچ گونه اماکن مذهبی مانند کلیسا و... را ندارند. با توجه به ساختار حکومت آل سعود که بر اساس توافق مذهبی وهابیت و بزرگ خاندان آل سعود بوده است تشکیلات مذهبی در این کشور از قدرت بالائی برخوردار می‌باشند.
- ۱۰- برابر خوش‌بینانه‌ترین آمارها شیعیان در عربستان ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل داده که عمده آنها در منطقه شرقیه و مقداری نیز در مدینه و در مرز یمین ساکن می‌باشند. پس از سرنگونی صدام شیعیان عربستان نیز با صدور اعلامیه‌ای خواستار احقاق حقوق خود شدند. شیعه در این کشور کاملاً متحول گردیده و در حال حاضر در شرایط بسیار بهتری نسبت به گذشته قرار دارند که از دلایل اصلی آن می‌توان به وضعیت عراق و روابط عربستان با ایران (دلیل ضعیف‌تر) اشاره کرد. به نظر می‌رسد که حیات شیعه در عربستان و تداوم روند موجود بستگی زیاد به وضعیت آینده عراق خواهد داشت.
- ۱۱- تحولات عربستان بر پایه روابط قبیله‌ای استوار است و فرهنگ کلی عربستان بر پایه مذهب و تعصب قبیله‌ای شکل گرفته است. در حال حاضر مردم عربستان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند

الف - سنت گرایان

افرادی هستند که معتقد به حفظ ارزشهای بومی که با اسلام عجین شده، می‌باشند. این افراد با هر نوع مظاهر تجدد مخالفند و با فرهنگ غرب و خارجی مخالفت می‌نمایند.

ب - روشنفکران و لیبرالها

درآمدهای نفتی و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی موجب تحولات بزرگی در عربستان گردیده و زمینه ساز اعزام برخی از اقشار تحصیلکرده عربستان و مسافرت مردم عادی به خارج شده و پس از بازگشت آنها به کشور زمینه ساز انتقال اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورهای غربی و خارجی به کشور خویش گردیده‌اند. برابر آمارها تعداد تحصیلکردگان در خارج عربستان بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

۱۲- خصایص ویژه اجتماعی عربستان عبارت است از:

- ۱- جامعه عربستان یک جامعه سنتی می‌باشد که با روش‌های غیر معمول در حال مدرنیزه شدن است.
- ۲- تبعیض طبقاتی فاحش در جامعه
- ۳- بافت اجتماعی ناهمگون بعلت اختلاط مردم بومی با مهاجران
- ۴- طبقه مرفه و اشرافی کشور نقش‌های اصلی و کلیدی در سیاست، تجارت و صنعت را عهده دار می‌باشند.
- ۵- قبائل در گذشته و حال در صحنه سیاسی و اجتماعی شبه جزیره نقش اساسی و عمده داشته‌اند.
- ۱۳- اقتصاد این کشور با اجرای شش برنامه پنج ساله در طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۷۰ و اجرای برنامه هفتم ۲۰۰۵-۲۰۰۰ با اتکا به درآمدهای سرشار نفتی این کشور نیمه بدوی و فقیر را به کشوری ثروتمند تبدیل نموده است. عربستان سعودی برنامه‌های اقتصادی قابل توجهی را در طول شش برنامه عمرانی به اجرا درآورده و در حال حاضر برنامه هفتم اقتصادی آن با اهداف و استراتژی‌های زیر پیگیری می‌گردد:

- ایجاد نیروی کار ملی تولید کننده که بتواند جانشین نیروی کار خارجی در کشور شود.
- تشویق بخش خصوصی جهت مشارکت بیشتر در توسعه اقتصادی و اجتماعی
- واگذاری راه‌اندازی و اداره برخی از طرح‌ها به بخش خصوصی به امید کاستن از هزینه‌ها و ارتقاء بهره‌وری آنها
- اولویت دادن به دیدگاه صرفه اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه گذاری و هزینه‌های دولتی

- تأکید بر کاستن از هزینه‌های ارائه خدمات عمومی بدون لطمه زدن به کمیت آنها و با توجه و تأکید به اینکه قیمت این خدمات به جز در موارد استثنایی کمتر از هزینه تولید آنها باشد.
- بالا بردن سهم زنان به عنوان نیروی کار در جامعه هماهنگ با شریعت اسلام
- کاهش هزینه‌های دولت و تحقق رشد متوازن بین مناطق مختلف کشور
- کاهش اتکا به تولید و صدور نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد ملی
- تحقق تکامل اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تقویت روابط با کشورهای عربی، اسلامی و دوست.
- ۱۴- توجه به برنامه خصوصی‌سازی در سالهای اخیر در عربستان از اولویت برخوردار بوده و بخش‌های خصوصی به مشارکت جدی در این امر تشویق می‌گردند. همچنین اجرای برنامه‌های اقتصادی موجب بالا رفتن متوسط عمر در کشور از ۵۴ سال به ۷۱/۴ سال گردیده است.
- ۱۵- عربستان با در اختیار داشتن حجم قابل توجهی از ذخایر (اثبات شده) نفت دنیا در حال حاضر با کمترین هزینه پروسه تولید را انجام داده و ارزان‌ترین نفت دنیا را تولید می‌نماید. این کشور در سالهای اخیر موفق گردیده بخش اعظمی از ذخایر بالقوه نفتی خود را به بالفعل تبدیل نموده و تولید خود را نیز افزایش داده است. آمار و ارقام مربوط به نفت عربستان به شرح زیر است:
- میزان ذخایر نفتی کشور در پایان سال ۲۰۰۳ برابر ۳۶/۱ میلیارد تن معادل ۲۶۲/۷ میلیارد بشکه می‌باشد که این میزان ۲۲/۹ درصد ذخایر نفتی دنیا است. برابر آمارهای منتشر شده در این سال کشورهای خاورمیانه ۶۳/۳ درصد کل ذخایر نفتی را در اختیار داشته و ذخایر نفتی کشور ایران ۱۱/۴ درصد ذخایر نفتی جهان می‌باشد.
- میزان تولید روزانه نفت کشور در سال ۲۰۰۳ برابر ۹۸۱۷۰۰۰ بشکه در روز بوده که این میزان معادل ۱۲/۸ درصد تولید نفت جهان می‌باشد. نفت تولیدی خاورمیانه روزانه معادل ۲۹/۶ درصد تولید روزانه نفت جهان بوده است.
- ۱۶- ذخایر اثبات شده گاز عربستان سعودی در سال ۲۰۰۳ برابر ۶/۶۸ تریلیون متر مکعب می‌باشد که معادل ۳/۸ درصد کل ذخایر گاز جهان است. ذخایر گاز خاورمیانه برابر ۷۱/۷۲ تریلیون متر مکعب از ذخایر گاز کل جهان است. میزان تولید روزانه گاز در عربستان در سال ۲۰۰۳ برابر ۶۱ میلیارد متر مکعب می‌باشد که معادل ۲/۳ درصد تولید روزانه جهان است.
- ۱۷- در زمینه کشاورزی علی‌رغم کمبود آب و نامساعد بودن شرایط جغرافیایی موفقیت‌های زیادی حاصل گردیده است. در این زمینه دولت ۵۰٪ بهای ماشینهای کشاورزی و ۴۵٪ قطعات یدکی و

کودهای شیمیایی را به کشاورزان پرداخت می‌کند. همچنین با پرداخت وام و کمکهای بلاعوض به کشاورزان تولید گندم کشور در سال ۱۹۹۲ به ۴۰۰۰۰۰۰ تن رسید که عربستان مجبور به صادر نمودن مازاد آن شد.

۱۸- رشد تولید ناخالص داخلی عربستان در سال ۱۹۹۱ به ۱۰ درصد رسیده و همواره سیر صعودی داشته است. به طوریکه در سال ۲۰۰۰ میلادی با رشد ۸/۸ درصد به ۵۱۲/۴ میلیارد ریال بالغ گردیده است. درآمد دولت در سال ۲۰۰۳ برابر ۷۸/۷۷ میلیارد دلار و مخارج آن در حدود ۶۶/۷۶ میلیارد دلار برآورد شده است.

۱۹- حکومت کشور عربستان پادشاهی مطلقه و شاه ریاست قوه مجریه را عهده دار بوده و متصدی پست نخست وزیری هم می‌باشد. ۲ برادر شاه فهد یعنی امیر عبدالله ولیعهد و امیر سلطان وزیر دفاع به ترتیب معاون اول و معاون دوم نخست وزیر می‌باشند. هیئت دولت عربستان حدود ۴۰ عضو دارد.

۲۰- نیروهای مسلح عربستان از نیروهای ۴ گانه ارتش (زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی)، گارد ملی و پلیس تشکیل شده است. ارتش در تابعیت وزارت دفاع، گارد ملی تحت نظر مستقیم ولیعهد این کشور و نیروهای پلیس تحت نظر وزارت کشور قرار دارد. فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده پادشاه می‌باشد که از طریق وزارت خانه‌های دفاع و کشور کنترل و نظارت لازم را بر آنها اعمال می‌نماید.

۲۱- استعداد کل نیروهای مسلح عربستان ۲۲۶۵۰۰ نفر برآورد می‌گردد که ۱۰۰۰۰۰ نفر آنان را کارکنان گارد ملی تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۷۵۰۰۰ نفر فعال و بقیه نیروهای احتیاطی گارد ملی می‌باشند.

۲۲- بودجه نظامی عربستان در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی برابر ۲۱ میلیارد دلار برآورد گردیده که معادل ۳۶/۶ درصد از بودجه کل کشور می‌باشد.

۲-۴- سیاست خارجی

۱- این کشور پس از استقلال همواره مورد حمایت امریکا و غرب بوده و لذا سیاست خارجی آن در راستای سیاست‌های جهانی غرب و مخصوصاً امریکا قرار داشته است. عربستان در مقابل مسأله فلسطین اشغالی حساس بوده و بعد از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل در تحریم نفتی اعراب شرکت و کمک‌های اقتصادی فراوانی در اختیار کشورهای خط مقدم مبارزه با رژیم اشغالگر قدس قرار داد. اخیراً و به خصوص پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط این دو کشور مانند سابق نیست.

۲- عربستان از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در جهان اسلام برخوردار بوده و کشوری تعیین کننده در جهان اسلام می‌باشد. به اعتقاد برخی از کشورهای اسلامی عربستان توانایی رهبری جهان اسلام را داراست.

۳- این کشور یکی از سه قدرت برتر منطقه (ایران، عربستان و عراق قبل از اشغال) بوده و از جایگاه ویژه‌ای در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار می‌باشد، به طوریکه کشورهای کوچک منطقه همیشه جزو اقمار یکی از این کشورها قرار داشته است. این نقش برای عربستان سعودی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خارج شدن ایران از این سیکل و همچنین وضعیت جنگی و اشغال عراق برای کشور عربستان پررنگ‌تر گردیده بود.

۴- نگرانی کشورهای کوچک عرب از ایران و همچنین وقوع انقلاب اسلامی موجب گرایش بیشتر این کشورها به عربستان گردیده و عربستان تا حدی توانسته به صورت یکپارچه هژمونی خود را به پنج کشور شورای همکاری خلیج فارس شکل داده و نقش منطقه‌ای برجسته بیابد. حضور پررنگ در افغانستان و پایه گذاری حکومت طالبان اولین گام این کشور در سطح خارج از خلیج فارس بود و نیروهای طالبان تمامی قدرت و دارایی خود را از این کشور دریافت نموده بودند. عربستان همچنین در ایفای نقش منطقه‌ای خود تا چچن نیز پیش رفته و در حال حاضر فرماندهان چچنی عمدتاً با عربستان هماهنگ می‌باشند.

۵- پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و از همان هنگام که روزولت و ملک عبدالعزیز توافق نموده بودند همواره امریکا امنیت عربستان را تأمین نموده و عربستان نیز نقش موثر در تأمین نفت امریکا داشته است. وجود این تفکر موجب گردیده علی رغم حاکم شدن هر جریان فکری در امریکا این کشور از مسائل اختلاف برانگیز در رابطه با عربستان به منظور تضمین تأمین نفت خود چشم پوشی نموده و عربستان نیز با هر عنصری در امریکا همخوانی داشته تا امنیت خود را تأمین نماید و هر دو کشور در هنگام بروز بحران با درک اهمیت این پیوند استراتژیک بحران ایجاد شده را پشت سر گذارده‌اند.

۳-۴- روابط با جمهوری اسلامی ایران

۱- دیدگاه کشور جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی برقراری رابطه دوستانه با کشورهای منطقه و جهان بر اساس اصل احترام متقابل به حقوق بین‌المللی کشورها بوده است. توجه به اهمیت حیاتی امنیت خلیج فارس برای ایران و عربستان و همچنین اشتراک اقتصاد هر دو کشور در وابستگی به نفت، ایران و عربستان در زمینه‌های بسیاری، نگاه‌های مشترک به مسائل بین‌المللی و جهان اسلام داشته و این روند در سال‌های اخیر گسترش چشمگیر داشته است.

۲- مشترکات مختلفی میان ایران و عربستان سعودی وجود داشته و مسأله رقابت در منطقه در امور مختلف از آن جمله می‌باشد و اگرچه هر دو کشور در زمینه‌های گوناگون تا مرز برخورد با هم رقابت داشته و در جهت حفظ منافع ملی خود کوشش نموده‌اند و هر دو کشور تلاش نموده‌اند تا نقش برتر را در منطقه ایفا نمایند.

۳- دو کشور در زمینه‌هایی نیز فاقد روابط دوستانه می‌باشند؛ برای مثال نگاه وهابیت به شیعه نگاهی حاکی از کینه است که معتقد است کشتن یک شیعه از کشتن یک کافر ثوابش بیشتر است، لذا هدایت رابطه ایران با عربستان به علت ویژگیها و پیچیدگی‌های فراوان بسیار دشوار می‌باشد.

۴- با وجود رقابت‌ها و اختلاف‌ها در بعضی مسائل هر دو کشور مصمم به گسترش زمینه‌های مشترک همکاری و کاستن و کنترل زمینه‌های دشمنی با یکدیگر بوده و همواره تلاش نموده‌اند تا خط قرمزهای یکدیگر را شناخته و کنترل نمایند.

۴-۴- پیشنهاد برای توسعه روابط

۱- اهمیت وجود روابط حسنه بین ایران و عربستان سعودی برای هر دو کشور بسیار مهم بوده و در هر دو کشور اجماع عقیده برای حفظ روابط دوستانه و ارتقاء آن موجود می‌باشد، اگرچه به نظر می‌رسد تنها مقاومت و مخالفت موجود در عربستان برای ارتباط با ایران جریان دینی سلفی است که معتقد به محدود شدن اختیارات خود، در صورت قدرت گرفتن شیعیان در عربستان می‌باشند.

با توجه به طرح‌های وسیع امریکا برای آینده منطقه و طرح ریزی خاورمیانه بزرگ، گسترش روابط دو کشور و کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حائز اهمیت بسیار بوده و اگرچه چراغ سبز کمسوی امریکا هنوز عربستان را به کسب نقش قابل قبولی در آینده منطقه امیدوار نگه داشته ولی به قدرت رسیدن شیعیان در عراق می‌تواند موجب بروز تغییرات اساسی در عربستان و وضعیت شیعیان آن کشور گردد، لذا تلاش هر چه بیشتر در جهت تحکیم روابط با دولت و ملت عربستان سعودی با توجه به استفاده از عوامل فراوان همگرایی پیشنهاد می‌گردد.